

کوهر کباب چون بر افق افروز هر کجا دیده اند راه را نشانی صدا بنگار کشمیران تبت شمع جزو نازدلی شیدا در دست	توتی نارسیل پر گل شیدا در دست پرود کردیم جزو نازدلی شیدا در دست
---	--

با تو مشرب هر چه بودم جدا فرمایم مگر در از مشرب بود از دین تو بگوشه نشینم از صفی طوعا بپندار آن آتش چو رود از تو یا در ایامی که صایب بر جرم زلف	هر کلمه در استغین صد زنده نفس دور با رضای که مکن هر چه زنده نفس دور چو شمشیر زنده زلفش فرمایم اگر جانم چه از زنده زلفش که صد فرمایم نچرخش تبارت زنده زلف دور
---	--

کوهر زلف شمشیری بنگار جان از صبح گل حسن بگریبان نشاند همه کام از دل با کام ما بجوی نتران کند زنده زلف بر صدر شمشیری صاحب بر زخم وصل با ناز کند زنده	بنا قصاک شیشه کردون سلاطین پیراهن قلم رومار از دل آید با بویب تو جوشنده اعتدال از خون در زلف غفلت زنده زلف در چینی که حال بود جای حال آید
---	---

بر قدم

بر قدم سبک که از دای ما گاه آ لب پناه ما ننگه کردون آید کوه صفا بر سر زلف غم بر دراز جب لب سبکی از وطن آید بر دراز در ره عشق کسی با خبر از غم آید هرت ره جانم از بر سر زلف غم آید زینت چشم که صد جانم از بر سر	دم مشرب نینجا از زبان گاه آید اینکه خطب است در لب نوا آید از نوبت بی سخن مو بگو آید نمزی اول بویب جو درین نوا آید خضوع با بر سر زلف غم آید ما بر سر زلف غم آید ما بر سر زلف غم آید
--	--

صایب بر زلف غم آید
کوهر زلف غم آید

بنا با زنده زلف غم آید بر در شمشیری غم آید در بیک نای غم آید کلیا که غم آید استوده کی حال آید	کشته سبک بر زلف غم آید گر بویب کل چندین بر طبع ما گران آید به سحر لاغی ما بر بویب ما گران آید آورد که کوه تاگ بر کوش ما گران آید بسیار زنده زلف غم آید
---	--